

از میان خبرها

رکاب زن نوجوان ایران در تمرین فوت کرد



سایات فدراسیون دوچرخه سواری نوشت: رکاب زن نوجوان ایران به علت تصادف در حین تمرین درگذشت. به گزارش اقتصادآنلاین، مهیار فرزانه رکاب زن نوجوان یزدی و عضو تیم ملی نوجوانان ایران درگذشت. این رکاب زن به علت تصادف در زمان تمرین جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیش از این نیز باها اتفاق افتاده است که رکاب زنان در حین تمرین در جاده بر اثر تصادف با وسایل نقلیه عبوری فوت یا مجروح شوند. علت این مسئله نیز نبود اسکورت همراه رکاب زنان در حین تمرین در جاده است.

اخاذی، با دزدی مدارک هویتی! متهم دوباره راهی زندان شد

**توکل** - متهم سابقه دار و معروفی که با سرعت و سوء استفاده از مدارک هویتی شهروندان اخاذی می کرد، به جنگ پلیس افتاد. به گزارش خبرنگار ما، در اجرای طرح پایش مداوم فعالیت ها و اقدامات ارادل و اوپاش معروف، ماموران پلیس امنیت عمومی استان کرمان یکی از ارادل و اوپاش معروف شهر کرمان را که پس از آزادی از زندان با سرعت مدارک هویتی یکی از شهروندان اقدام به خرید چندین سیم کارت متعدد کرده و با فروش آن ها به فرد دیگری اقدام به اخاذی می کرد، شناسایی و دستگیری متهم را در دستور کار قرار دادند. سرپرست پلیس امنیت عمومی استان کرمان گفت: این فرد همچنین با شرکت در یک نزاع و درگیری منجر به جرح با سلاح سرد در ۱۸ فروردین امسال متهم به ایجاد رعب و وحشت و اخلال در نظم عمومی شده بود. سرهنگ "محمودپارسا" افزود: با توجه به متواری بودن و اختفای متهم، سرانجام با اقدامات فنی و اطلاعاتی، ماموران پلیس امنیت مخفیگاه این مجرم را شناسایی کردند و در عملیاتی غافلگیرانه با هماهنگی مقام قضایی وی را به دام انداختند. این مسئول انتظامی با بیان این که این متهم که از ارادل و اوپاش سابقه دار است، خاطر نشان کرد: این مجرم دارای پنج فقره سابقه قبلی از جمله سرعت و ایجاد مزاحمت برای بانوان، اخلال در نظم عمومی، ورود به عنف همراه با تهدید و ایراد ضرب و جرح عمدی، حمل و نگهداری مواد مخدر بوده است و قدرت نمایی با سلاح گرم، سرعت مسلحانه، مشارکت در تخریب اموال مردم را در کارنامه خود دارد.

سلفی مرگبار دختر ۱۴ ساله مرودشتی

فرمانده انتظامی مرودشت از غرق شدن نوجوان ۱۴ ساله در رودخانه تیرباغ این شهرستان خبر داد. به گزارش رکناسرهنگ "اسماعیل زراعتیان" با اعلام این خبر گفت: در پی کسب خبری از مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر حادثه منجر به مرگ در منطقه تفریحی تیرباغ این شهرستان، بلافاصله ماموران انتظامی این فرماندهی به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: در این حادثه دختر خانمی ۱۴ ساله اهل و ساکن یکی از روستاهای همجوار این منطقه تفریحی که در حال گرفتن عکس سلفی بوده است، به طور ناگهانی دچار لغزش شد و به داخل رودخانه افتاد که به علت آشنا نبودن با فنون شنا غرق می شود. سرهنگ زراعتیان خاطر نشان کرد: با تایید مرگ این نوجوان توسط نیروهای اورژانس، جسد با هماهنگی مقام قضایی به پزشکی قانونی شهرستان مرودشت منتقل شد.

۲ کودک دو قلو در استخر غرق شدند

سخنگوی فوریت های پزشکی گفت: دو برادر دو قلو در یک استخر خانگی غرق شدند. به گزارش خبرنگاری صدا و سیما، فر اهانی گفت: این دو برادر ۶ ساله، در یک استخر خانگی در یکی از روستاهای بخش سلفچگان غرق شدند. وی افزود: پس از اطلاع از وقوع این حادثه، دو آمبولانس اورژانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شد و دو کودک را همراه با عملیات احیای قلبی - ریوی به بیمارستان انتقال دادند، اما تلاش پرسنل اورژانس ۱۱۵ و بیمارستان در راستای احیای این دو کودک نتیجه ای نداشت و هر دو جان خود را دست دادند.

با پیداشدن اجساد زوج میان سال در شعله های آتش فاش شد



# جنایت وحشتناک در خانه ویلایی!



عکس ها اختصاصی از خراسان

جسد بی جان مرد ۶۱ ساله در وسط اتاق

جنایی را پیچیده تر می کرد. از سوی دیگر قتل زن ۵۰ ساله به دست شوهر و خودکشی مرد ۶۱ ساله پس از ارتکاب جنایت نیز با توجه به آثار بریدگی هایی مانند خودزنی یکی دیگر از فرضیه های جنایی است که با انتقال اجساد به پزشکی قانونی مورد کنکاش های پلیسی و قضایی قرار خواهد گرفت. بنابر این گزارش، تحقیقات میدانی قاضی میرزایی که تا ساعتی بعد از افطار نیز به طول انجامید، بیانگر آن بود که زن ۵۰ ساله همسر دوم مرد درنده است که



راز اجساد زن و مرد جوان در زیر پل آلودشت چه بود؟

انحراف و سقوط یک دستگاه خودروی ۲۰۶ از پل در مسیر بخش چمستان شهرستان نور باعث کشته شدن ۲ سرنشین آن شده است. به گزارش رکناسرهنگ "مسئول اورژانس نور" ۶ اردیبهشت گفت: ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه روز شنبه به اورژانس اطلاع داده شد که خودروی ۲۰۶ منحرف شده و از پل آلودشت در مسیر چمستان به آمل سقوط کرده است که بلافاصله یک دستگاه آمبولانس اعزام شد. امیر مسعود بهادری افزود: بررسی اولیه نشان داد حادثه احتمالا با مدام رخ داده



مرگ دلخراش پاراگلایدر سوار جوان

**کرمانی** - سقوط پاراگلایدر در ارتفاعات سایت پروازی سیرجان به جان باختن یک جوان منجر شد. به گزارش خبرنگار ما، پاراگلایدر باز جوان زمانی که وارد سایت پروازی "سلطان پیرغیب" شهر سیرجان شدنی دانست به استقبال مرگ رفته است. وی دقایقی بعد در حین پرواز بر فراز آسمان دچار سانحه شد و جان خود را از دست داد. مسئول اورژانس ۱۱۵ سیرجان درباره جزئیات این حادثه بیان کرد: پاراگلایدر سوار ۳۳ ساله در سایت "سلطان پیرغیب" های مطرح جنوب شرق کشور در ورزش های هوایی است.



جراحات وارد شده در دم جان باخت. حیدرپور افزود: بر اساس اطلاعات دریافتی و جمع آوری شده، بال این پاراگلایدر به علت شدت باد، دچار ریزش شد و با دست دادن تعادل به دیواره صخره ای سایت برخورد داشت و وی خاطر نشان کرد: گروه پاراگلایدر سیرجان با فعالیت مستمر ۳۰ پاراگلایدر سوار دارد که به استقرار ایستگاه هلال احمر در این سایت پروازی نیاز است. براساس این گزارش، سایت "سلطان پیرغیب" یکی از سایت های مطرح جنوب شرق کشور در ورزش های هوایی است.

## انتقام کور با اسپری رنگ!

همسر مرا نیافتم به همین دلیل روی ۷۰ خودرو رنگ مشکی پاشیدم

حدود ساعت سه با مدام دیروز، فرد مذکور در خیابان داودآبادی مشاهده و پیش از هر اقدام دیگری بازداشت شد. جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ خاطر نشان کرد: متهم پس از انتقال به کلانتری گفت که ساکن یکی از شهرهای شمالی کشور است، همسرش چندی قبل منزل را ترک کرده و دیگر مراجعتی به خانه نداشته و وی برای یافتن همسرش راهی تهران شده بود، این شخص مدعی بود به دلیل عصبانیت زیاد و بی نتیجه برای یافتن همسرش، روی خودروها رنگ پاشیده است!

وی با بیان این که متهم سابقه درگیری در یکی از شهرهای شمالی کشور را دارد، یادآور شد: همچنین متهم سابقه شش سفر خارجی داشته و در یکی از سفرهای خارجی نیز با ماموران درگیر شده و در آن جا سابقه زندان دارد. به گفته موقوفه ای، متهم برای سیر مراحل قانونی، به مقام قضایی معرفی شد.



منطقه نبرد شمالی روی ۷۰ دستگاه خودرو به ویژه خودروهای رنگ روشن، اسپری مشکی پاشیده است.

این مقام انتظامی با بیان این که متهم در دو شب خودروها را تخریب کرده بود، گفت: بررسی بیشتر نشان داد

منطقه نبرد شمالی روی ۷۰ دستگاه خودرو به ویژه خودروهای رنگ روشن، اسپری مشکی پاشیده است.

این مقام انتظامی با بیان این که متهم در دو شب خودروها را تخریب کرده بود، گفت: بررسی بیشتر نشان داد

در امتداد تاریکی

ماجرای عروس مخفی!

با طناب پوسیده نادانی و هوا و هوس های زودگذر به عمق دره سیاه و وحشتناک سقوط کردم که اکنون هیچ راه نجاتی ندارم و نمی دانم از چه کسی کمک بگیرم. اگر چه خودم مقصر اصلی این ماجرای تلخ هستم و آینده ام را به تباهی کشانده ام اما می خواهم جوانان دیگر از سرگذشت من عبرت بگیرند تا این گونه آرامش و زیبایی زندگی شان را به توفان هولناک هوا و هوس نسپارند...

جوانی که در پی شکایت همسر صیغه ای اش مبنی بر ترک انفاق به کلانتری احضار شده بود با بیان این مطلب و با صدایی لرزان به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: ۲۷ سال قبل در خانواده ای آبرومند و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم کارمندی در ستکار بود و همواره مراقب بود تا فرزندانش در مسیر اشتباه زندگی قدم نگذارند. پدر و مادرم تلاش می کردند تا من و خواهر و برادرم را به بهترین نحو تربیت کنند و همین دلیل اهمیت زیادی به تحصیلاتمان می دادند در این میان من هم که از همان کودکی علاقه زیادی به درس و مدرسه داشتم در بهترین مدارس مشهد تحصیل کردم و سپس در یکی از رشته های مهندسی دانشگاه دولتی پذیرفته شدم. اما بعد از پایان مقطع کارشناسی دیگر ادامه تحصیل ندادم چرا که دوست داشتم زودتر خدمت سربازی را به پایان برسانم و به بازار کار وارد شوم. خجالت می کشیدم که در این سن و سال باز هم دستم را جلوی پدرم دراز کنم و پول توجیبی ام را از حقوق بازنشستگی پدرم بردارم در حالی که عنوان پرطمطراق «مهندس» را بید می کشیدم با شورو ذوق خاصی در جست وجوی یافتن شغلی برآمدم، اما دستم جایی بند نشد و تلاش هایم بیهوده بود باز هم مثل همیشه پدرم دستم را گرفت و پرایدش را برای مسافر کشی در اختیارم قرار داد. من هم مدرک مهندسی بهترین دانشگاه کشور را روی طاقچه گذاشتم و در یکی از تاکسی های اینترنتی مشغول کار شدم. اگر چه درآمد کمی داشتم اما به قول پدرم نان حلال می خوردم تا این که روزی یک زن جوان زندگی ام را به نابودی کشاند و مرا رسوا و عامی خاص کرد. آن روز مانند همیشه سوار بر خودروی پراید پدرم در خیابان به دنبال مسافر بودم که ناگهان زن جوانی با پوشش نامناسب خودش را جلوی خودروم انداخت به محض این که پایم را روی ترمز کوپیدم آن زن جوان در صندلی جلو نشست و در حالی که آرایش های غلیظ و پوشش زننده اش توهمم را بر خودش جلب کرده بود فریاد زد «آقا حرکت کن!» حیرت زده نگاهش کردم و از او خواستم پیاده شود! اما او ملتسانه و اشک ریزان گفت چند جوان مزاحم شده اند و جانم در خطر است! با شنیدن این جمله پدال گاز را فشردم و از محل دور شدم در مسیر حرکت آن زن جوان خودش را «مهرانه» معرفی کرد و گفت ۴۲ سال دارد و مدتی قبل از همسرش طلاق گرفته است. خلاصه وقتی او را به مقصد رساندم با این بهانه که قصد شکایت از مزاحمان خیابانی را دارد شماره تلفنم را گرفت تا مرا به عنوان شاهد به دادگاه معرفی کند. روز بعد دوباره با من تماس گرفت تا او را به دادگاه برسانم از آن روز به بعد تماس های گاه و بی گاه مهرانه آغاز شد.

او که دیگر می دانست من جوانی مجرد هستم تصاویر مستهجن و زننده ای از خودش می گرفت و از طریق تلگرام برایم ارسال می کرد. آن قدر با طنازی، آرایش های غلیظ و چرب زبانی مرا وسوسه کرد که به ناچار او را بلاک کردم. ولی همچنان به پیشش در رابطه نامشروع او می اندیشیدم و دچار وسوسه های شیطانی می شدم. بالاخره نتوانستم دوام بیاورم و با او ارتباط برقرار کردم. بعد از مدت کوتاهی مهرانه از من خواست به صورت عقد موقت باهم زندگی کنیم. او گفت: اجازه خانه را خودش می پردازد و توقعی از من ندارد چرا که می داند از دواج دایمی بین ما امکان پذیر نیست و تنها می خواهد تکیه گاهی در زندگی داشته باشد و زمانی هم که با دختری همسن و سال خود از دواج کردم او بی سروصدا از زندگی ام بیرون می رود. من هم پیشنهادش را پذیرفتم ولی مدتی بعد از این ماجرا به منزل پدرم رفتم و خودش را عروس خانواده معرفی کرد. دیگر نمی توانستم از شدت شرم به چهره پدرم نگاه کنم حالا هم برای تحت فشار قرار دادن من شکایت کرده است تا همسر دایمی من شود اما من از همین از دواج پنهانی نیز پشیمانم ولی ایا کاش...

شایان ذکر است با صدور دستوری از سوی سرهنگ غلامعلی مالداری (رئیس کلانتری پنجتن) پرونده شکایت این زن جوان به دستگاه قضایی ارسال شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

باتیبه فیش حج به سرزمین وحی سفر کنید خرید - فروش - نمتج - عمره نیش معلم ۱۳ - بلاک ۱ ۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵